



دیپلماسی پرهزینه

اگر تا دیروز گفته می‌شد مذاکرات قرار است امنیت، منافع و موقعیت راهبردی ایران را تثبیت کند، امروز رخدادهای تنگه هرمز سؤال دیگری را پیش روی افکار عمومی گذاشته است؛ چرا درست پس از سفر تیم مذاکره‌کننده و رایزنی‌های مسقط، عمان عملاً مسیری را فعال کرده که نقش و موقعیت ایران در حساس‌ترین آبراه جهان را دور می‌زند و آمریکا نیز از آن استقبال می‌کند؟



انتشار گزارشی واقعی توسط بانک مرکزی از رکود اقتصادی

دو سال عملکرد اقتصادی دولت بی برنامه



گزارش بانک مرکزی از عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴، نشان می‌دهد رشد اقتصادی متوقف شده و سرمایه‌گذاری سقوط کرده است؛ به نوعی اقتصاد ایران یک گام به عقب رفت. براساس این گزارش، اقتصاد کشور پس از رشد مثبت در سال ۱۴۰۳ با رشد منفی، افت سرمایه‌گذاری، کاهش مصرف و تضعیف بخش‌های اصلی تولید در سال گذشته مواجه شده است؛ آماري که ادعای نسبت دادن مشکلات اقتصادی به جنگ را با تردید مواجه کرده است. به زبان ساده، این اتفاق یعنی دولت پزشک‌های تمام زحمات دولت شهید رئیسی در زمینه رشد سرمایه‌گذاری در تولید را از بین برده است. نکته مهم درباره جزء تشکیل سرمایه، تکرار ارقام شدیداً منفی در تمامی چهار فصل سال گذشته است. این وضعیت نشان می‌دهد بحران تضعیف زیرساخت‌های تولید اساساً هیچ ارتباطی با جنگ نداشته و در تمامی چهار فصل سال گذشته روندی یکسان داشته است.

تفکر برخی مدیران هک شده است

۲

پول ایران در مسیر مزرعه‌های آمریکا

صفحه ۴

اقتصادی

خطای محاسباتی رئیس

مسعود پزشکیان، در ماه‌های گذشته بارها از تعبیری مانند «ما نفت داریم و گرسنه‌ایم» یا «وقتی مردم گرسنه باشند...» استفاده کرده است. این جملات، فارغ از نیت گوینده، به سرعت در رسانه‌های فارسی‌زبان معاند بازتاب یافت.

شکوه واپسین لحظات

روح‌الامین می‌داند که کربلا تنها با خون تعریف نمی‌شود؛ آنچه این واقعه را در حافظه تاریخ ماندگار کرده، نسبت میان رنج و انتخاب است. مخاطب بیش از آنکه زخم‌ها را به خاطر بسپارد، قامت انسانی را به یاد می‌آورد که در آستانه شهادت و افتادن از اسب، هنوز ایستاده است.

کشش تکرار تجربه‌های خطا

دکتر مهدی جمشیدی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اگر مذاکره با آمریکا، تا دیروز و در دیده رهبر شهید، «غیرشرافتمندانه» بود، امروز پس از شهادت ایشان و پس از دو جنگ تحمیلی، به طریق اولی، غیرشرافتمندانه است. هیچ توجیهی نمی‌تواند این فقدان شرافت را توجیه کند و گریزگاهی برای اصحاب مذاکره به شمار بیاید. آن حکم بی شرافتی، پس از «جنگ وحشیانه» و «شهادت رهبر» و «قتل عام چند هزار ایرانی»، بسیار تشدید شده و به نقطه اوج خویش رسیده است. آری، چنانچه جنگ به لحظه «تمامیت» خویش رسیده بود و «بازدارندگی اطمینان بخش»، تحقق یافته بود و «انتقام خون رهبر شهید» - به واسطه قتل ترامپ و نتانیاهو - ستانده شده بود، می‌شد درباره مذاکره فکر کرد، اما...

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۲

سیاسی

صفحه ۱۱

فرهنگی

ترامپ و جی‌دی‌ونس با اتکا به صحبت‌های پزشک‌یان، با توهین به مردم ایران، آنها را گرسنه خواندند

خطای محاسباتی رئیس

به خود را افزایش می‌دهد و کشوری که از زبان مسئولانش پیوسته با واژگانی چون ناتوانی، درماندگی و گرسنگی معرفی می‌شود، ناخواسته به رقیبانش برای افزایش فشار و تهدید، انگیزه و خوراک تبلیغاتی می‌دهد.

در سیاست خارجی، قدرت فقط در تعداد موشک‌ها، وسعت سرزمین یا حجم اقتصاد خلاصه نمی‌شود؛ «تصویری» که یک کشور از خود به جهان ارائه می‌کند نیز بخشی از قدرت ملی است. کشوری که خود را مقتدر نشان می‌دهد، هزینه تعرض



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

محاسباتی است که می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای کشور ایجاد کند.

ملت ایران، با وجود همه دشواری‌های اقتصادی، در سال‌های اخیر توانسته است در عرصه‌های نظامی، منطقه‌ای و فناوری، جایگاهی اثرگذار به دست آورد. شایسته نیست این سرمایه ملی با ادبیاتی که تصویری تحقیرآمیز از کشور ارائه می‌دهد، مخدوش شود. بیان مشکلات اقتصادی، پایان مسئولیت دولت نیست؛ وظیفه اصلی دولت، حل مشکلات و جبران کاستی‌ها و همزمان صیانت از عزت و اعتبار ملت ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی است.

موضوع زمانی تلخ‌تر می‌شود که کارنامه اقتصادی دولت نیز مورد توجه قرار گیرد. منتقدان معتقدند بخش قابل توجهی از مشکلات امروز، محصول تصمیمات و عملکرد همین دولت است و مردم نیز هزینه آن را با تورم، کاهش قدرت خرید و دشوارتر شدن معیشت خود می‌پردازند. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود رئیس‌جمهور به جای تکرار ادبیاتی که می‌تواند به ابزار تبلیغاتی دشمن تبدیل شود، با پذیرش مسئولیت، بر اصلاح سیاست‌ها و ارائه راه حل‌های عملی تمرکز کند. در غیراین صورت، دولت نه تنها در حل مشکلات اقتصادی موفق نخواهد بود، بلکه ناخواسته به تضعیف تصویر بین‌المللی ایران نیز کمک خواهد کرد؛ تصویری که حفظ آن، بخشی از سرمایه راهبردی و عزت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

از این روایت، محصول ادبیاتی نیست که از درون کشور به جهان مخابره شده است؟ هیچ‌کس منکر مشکلات اقتصادی و فشار معیشتی بر بخشی از جامعه نیست؛ اما میان بیان واقعیت‌های اقتصادی و ارائه تصویری از کشوری درمانده که حتی قادر به سیر کردن مردم خود نیست، فاصله‌ای جدی وجود دارد. رئیس‌جمهور صرفاً مدیر قوه مجریه نیست؛ او مهم‌ترین روایتگر وضعیت ایران در برابر افکار عمومی جهان نیز محسوب می‌شود. از همین رو، هرواژه او می‌تواند در معادلات سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای بازتاب پیدا کند.

این نخستین بار هم نیست که ادبیات رئیس‌جمهور به دستاویزی برای رسانه‌ها و سیاستمداران غربی تبدیل می‌شود. در نبرد روایت‌ها، هر جمله‌ای که از زبان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور بیان می‌شود، می‌تواند در پازل تبلیغاتی دشمن جای بگیرد و علیه منافع ملی مورد استفاده قرار گیرد. انتظار افکار عمومی از رئیس‌جمهور، سیاه‌نمایی وضعیت کشور نیست؛ بلکه پذیرش مسئولیت، ارائه راهکار و تقویت اعتماد ملی است.

سیاست خارجی عرصه ارسال پیام است. اگر پیام اقتدار باشد، دشمن در محاسبات خود محتاط‌تر می‌شود؛ اما اگر پیام ضعف و استیصال باشد، طرف مقابل ممکن است تصور کند فشار بیشتر، امتیاز بیشتری به همراه خواهد داشت. این همان خطای

در شرایطی که پس از رویارویی مستقیم ایران با رژیم صهیونیستی و آمریکا، بسیاری از تحلیلگران خارجی از افزایش جایگاه منطقه‌ای و بازدارندگی جمهوری اسلامی سخن گفتند و حتی برخی تئوریسین‌های غربی مانند رابرت پیپ، از ارتقای جایگاه ایران در معادلات قدرت جهانی سخن راندند و ایران را در زمره ابرقدرت‌ها قرار دادند، انتظار می‌رفت مسئولان عالی‌رتبه کشور نیز در سخنان خود تصویری متناسب با این جایگاه ارائه کنند؛ تصویری که ضمن پذیرش مشکلات اقتصادی و همدردی با مردم، از اقتدار ملی نیز صیانت کند.

اما رئیس‌جمهور، مسعود پزشک‌یان، در ماه‌های گذشته بارها از تعابیری مانند «ما نفت داریم و گرسنه‌ایم» یا «وقتی مردم گرسنه باشند...» و «نمی‌توانم در مملکت شیعه شاهد گرسنگی باشم...» استفاده کرده است. این جملات، فارغ از نیت گوینده، به سرعت در رسانه‌های فارسی‌زبان معاند و سپس در اظهارات مقامات و سیاستمداران بلند پایه آمریکایی بازتاب یافت. وقتی مقاماتی مانند دونالد ترامپ یا جی‌دی‌ونس از «گرسنگی مردم ایران» سخن می‌گویند و می‌کوشند ملت ایران را تحقیر کنند، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا بخشی

خبر کوتاه

انتقاد مخبر از بیانیه شورای همکاری خلیج فارس

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در واکنش به بیانیه مغرضانه شورای همکاری خلیج فارس نوشت: قطب‌نمای برخی همسایگان هنوز دوست و دشمن را وارونه نشان می‌دهد. محمد مخبر بعد از ظهر جمعه ۵ تیر ۱۴۰۵ در پی بیانیه مغرضانه شورای همکاری خلیج فارس و همچنین در ادامه نقض‌های مکرر بند اول تفاهم از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: بیانیه شورای همکاری، اشتباهی دوباره و همسویی با کسی است که امنیت منطقه را قربانی تجاؤگری‌های خود کرده است. وی عنوان کرد: قطب‌نمای برخی همسایگان هنوز دوست و دشمن را وارونه نشان می‌دهد. مشاور و دستیار مقام معظم رهبری تصریح کرد: توافق چه با آمریکا و چه اقمار جنوب خلیج فارس، یک زنجیره است؛ یک حلقه‌اش که بشکند، کل زنجیره‌اش در آتش ذوب می‌شود.

هشدار قرارگاه خاتم‌الانبیا درباره پروازهای نظامی رژیم صهیونی

قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء اعلام کرد: تحرکات و حضور هواپیماهای نظامی ارتش تروریستی رژیم صهیونیستی در آسمان برخی کشورهای همسایه به سمت ایران اقدامی خطرناک و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم. قرارگاه خاتم‌الانبیاء همچنین تصریح کرد: چنانچه آمریکا قادر به مهار و کنترل رژیم صهیونیستی نباشد، جمهوری اسلامی ایران هرگونه تهدیدی را علیه خود تحمل نخواهد کرد و پاسخ به این اقدامات خطرناک را حق خود می‌داند.

هشدار سردار قآنی به صهیونیست‌ها درباره لبنان

سردار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در پیامی به صهیونیست‌ها هشدار داد.

متن پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

صهیونیست‌ها بداند؛ آنانی که با شما یزیدیان، با روحیه عاشورایی و ایمان حسینی ایستاده و جنگیده‌اند، همان باور جاودانه را در جان دارند که کل یوم عاشورا و کل أرض کربلا شما باید سراسر لبنان را ترک کنید؛ چرا که این سرزمین، میدان ایستادگی و مقاومت است، نه جولانگاه اشغالگران. اگر امروز با اختیار خود عقب‌نشینی نکنید، فردا با خواری و شکست ناگزیر به فرار خواهید شد. سال ۲۰۰۰ میلادی و وصیت تاریخی شهید سید حسن نصرالله بنت جبیل را از یاد نبرید؛ آن وعده هنوز زنده است و تردیدی نیست که، بار دیگر همان صحنه تکرار خواهد شد.

حداد عادل: این تفاهم، آن چیزی نیست که رهبری می‌خواست

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به بیانیه اخیر رهبر انقلاب گفت: نکته‌ای که در این بیانیه بسیار مهم است، این است که ایشان می‌فرمایند: بنده نظر دیگری داشتم؛ اما چون رئیس‌جمهور آمد و تعهد کرد که منافع ملت را تأمین کند، از جبهه مقاومت مراقبت شود و مسئولیت‌ها پذیرفته می‌شود، اجازه صادر شد؛ هر چند نظر دیگری وجود داشت. این نکته چه معنا دارد؟ وی افزود: رهبر انقلاب با این بیان، در واقع می‌فرماید که این تفاهم، آن چیزی نیست که من می‌خواستم؛ من بالاتر از این را می‌خواستم و این حرف، دست طرف ایرانی را در مذاکره قوی می‌کند؛ چون نشان می‌دهد ایران برای گرفتن امتیاز، ذوق زده و مرعوب نشده است. حداد عادل ادامه داد: خود ایشان می‌فرمایند من اجازه صادر کردم. می‌فرمایند مذاکره حضوری هم به معنای پذیرش نظر دشمن نیست؛ مذاکره یعنی رفتن، شنیدن، سنجیدن، و عمل کردن در چارچوب منافع ملت.

خطای محاسباتی

نجابت: تفکر برخی مدیران هک شده است



روح‌الله نجابت نماینده مردم شیراز و زرقان با انتقاد از سیاست‌های بانک مرکزی نوشت: دو هفته از اختلال گسترده در بانک‌های اصلی کشور می‌گذرد و تنها واکنش آقایان بانک مرکزی این است که «در حال مقابله با حملات سایبری هستیم.» اما جای پرسش است که چرا از تجربه تلخ هک بانک سپه و جنگ سایبری دوازده روزه در گذشته درس گرفته نشد؟

جناب رئیس کل بانک مرکزی!

البته دره اصلی، هک شدن سرورها نیست؛ «هک شدن تفکر مدیران» و خطای محاسباتی مسئولانی چون شما است که اخیراً گفته‌اید: «اگر قیمت و کیفیت نهاده‌های آمریکایی بهتر باشد، برای خریدش مانعی نداریم!» این چه استدلال کودکانه‌ای است؟! شما و مدیران پیش از شما با همین استدلال «جنس آمریکایی ارزان‌تر و بهتر»، زیرساخت‌های حیاتی شبکه بانکی را با

تجهیزات آمریکایی آلوده کردید و امروز صرفاً تماشاچی هستید! چطور است که بخش‌های دیگری از اقتصاد کشور، سال‌هاست خود را از تله وابستگی به این تجهیزات نجات داده‌اند و امروز از این منظر آسیب‌پذیر نیستند؟ تاوان این توهمات و ساده‌اندیشی‌ها و عبرت نگرفتن‌ها را نباید مردم و کسب‌وکارها بدهند. به جای موضع‌گیری‌های ناامیدکننده، فوراً فکری به حال بحران شبکه بانکی کنید!

یادداشت

کشش تکرار تجربه‌های خطا

دکتر مهدی جمشیدی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۱. اگر مذاکره با آمریکا، تا دیروز و در دیدۀ رهبر شهید، «غیرشرافتمندانه» بود، امروز پس از شهادت ایشان و پس از دو جنگ تحمیلی، به‌طریق اولی، غیرشرافتمندانه است. هیچ توجیهی نمی‌تواند این فقدان شرافت را توجیه کند و گریزگاهی برای اصحاب مذاکره به‌شمار بیاید. آن حکم بی‌شرافتی، پس از «جنگ وحشیانه» و «شهادت رهبر» و «قتل عام چند هزار ایرانی»، بسیار تشدید شده و به نقطۀ اوج خویش رسیده است. آری، چنانچه جنگ به لحظۀ «تمامیت» خویش رسیده بود و «بازدارندگی اطمینان بخش»، تحقق یافته بود و «انتقام خون رهبر شهید» - به واسطۀ قتل ترامپ و نتانیاهو - ستانده شده بود، می‌شد درباره‌ی مذاکره فکر کرد، اما لیبرال‌های ایرانی در نیمۀ راه، راه را تمام‌شده فرض کردند و مسیر مذاکره را در پیش گرفتند. امروز بر بسیاری آشکار گردیده که هم «آتش بس» و هم «مذاکره»، هر دو بیراهه بوده‌اند و آمریکا در برابر فریب‌گفتگو و اعطای اندک امتیازهای کاغذی یا بی‌خاصیت، «فرصت بازسازی اقتصادی» یافته است. لیبرال‌های ایرانی، ناکامی آمریکا در دستیابی به هدف‌هایش را به معنی پیروزی نهایی و قطعی در جنگ تفسیر کردند و با این توجیه ناصواب، از آتش بس و مذاکره استقبال کردند و خواستند «پیروزی نیمه‌کاره» را تثبیت کنند. این در حالی است که باید مسیر جنگ، ادامه می‌یافت و فتوحات به قطعیت و تمامیت می‌رسیدند. لیبرال‌های ایرانی، به «چیدن میوه‌ی کال»، تمایل و اشتیاق نشان دادند و به این دلیل، نتوانسته‌اند شروط رهبرانقلاب را محقق گردانند. تنها اتفاقی که در عمل رخ داده، گشوده‌شدن تنگۀ هرمز در برابر گشوده‌شدن محاصره‌ی دریایی است؛ و این موازنه، به معنی واگذاری یک امتیاز راهبردی از سوی ایران در برابر یک امتیاز تاکتیکی از سوی آمریکا است. بندهای دیگر تفاهم، وعده‌های نسبه هستند که تاکنون در عمل، زیرپا نهاده شده‌اند. ۲. هیچ تردیدی در میان نیست که رهبر را حل و رهبر شهید، هر دو به صورت جدی و قطعی، همواره مخالف مذاکره با آمریکا بوده‌اند و با صراحت، آن را «ممنوع» اعلام کرده بودند. لیبرال‌های ایرانی در دهه‌های گذشته، همواره تلاش کردند که این منع سیاسی را بشکنند و پنجره‌ای برای مذاکره با آمریکا بکشایند. این زنجیره با مهندس بازرگان آغاز شد و پس از او، هاشمی‌رفسنجانی کوشید با فشار به رهبر را حل، ایشان را ترغیب به مذاکره کند، اما ناکام ماند. رهبر شهید نیز در طول سی و شش سال زعامت خویش، همواره با این مسأله هوشی و کلان، دست به‌گریبان بود؛ چنان‌که لیبرال‌های ایران در این دهه‌ها، در جهت عادی‌سازی مذاکره با آمریکا قدم برداشتند. در نهایت، در دورۀ حسن روحانی، توانستند جمهوری اسلامی را در طرف مذاکره با آمریکا بنشانند و هشت سال تعطیلی نسبی اقتصاد و خسارت محض برجام و دولت تجربه تلخ را رقم بزنند. دولت کنونی نیز مذاکره‌اندیش است و راه برون‌رفت را در مذاکره می‌جوید، نه اقتصاد مقاومتی. پزشک‌یان تصریح کرد که «اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟! - این پرسش، یعنی بازگشت به دورۀ تفکر برجامی و اقتصاد شرطی شده. روشن بود که پزشک‌یان به دلیل فقدان مطلق طرح اقتصادی و نابلدی به‌شدت آشکار در امر حکمرانی، بر مذاکره با آمریکا اصرار خواهد ورزید و تداوم حضور خود در دولت را به مذاکره با آمریکا گره خواهد زد. این بار، نباید تجربه برجام - یعنی جمهوری اسلامی تضعیف‌شده - تکرار شود، بلکه باید گفت وضع کنونی نسبت به گذشته، بسیار متفاوت شده است؛ چراکه آمریکا اراده کرده که به‌سرعت، نظام را براندازی کند و همچنان در این سوداست. این جنگ، «وجودی» است و مسأله، بودن یا نبودن است. این یعنی این بار، حاصل مذاکره با آمریکا، «جمهوری اسلامی تضعیف‌شده» نخواهد بود، بلکه «جمهوری اسلامی پایان یافته» خواهد بود. بدیهی است که نباید در چنین معرکه و میدانی، انتخاب را بر ارادۀ رئیس دولت مبتنی کرد و تداوم دولت با همین شخص را اصل انگاشت. اگر رئیس دولت می‌خواهد ناتوانی و کارنابلدی خویش را به جنگ، نسبت بدهد و به این واسطه، در مسیر مذاکره با آمریکا قرار بگیرد و مجال حمله دوباره و نهایی را به او بدهد، باید بسیار نگران بود؛ «تداوم جمهوری اسلامی»، قابل مقایسه با «تداوم دولت» نیست.

قالیباف مکاتباتی با نهادهای مرتبط داشته است که در صورت نتیجه‌بخشی، برخی از موانع به‌خودی‌خود برطرف خواهد شد. با این حال هماهنگی‌های بیشتر در حوزه امنیت ملی ضروری است و امیدواریم این ملاحظات هرچه سریع‌تر مرتفع شود. با رفع موانع موجود، آن‌شا با توجه زودی شاهد تحقق این امر مهم خواهیم بود از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم در نهم اسفندماه، مجلس شورای اسلامی از برگزاری جلسات علنی در صحن خودداری کرده است. ده‌ها نماینده منتقد هفته گذشته با صدور بیانیه‌ای از تصمیم خود برای حضور در مقابل مجلس در تاریخ هفتم تیرماه خبر دادند.

وعددها برای بازگشایی صحن ادامه دارد

تعطیل باشد، دیگر منتفی شده است و آن‌شا با توجه زودی شاهد بازگشایی صحن خواهیم بود. طی هفته‌های اخیر و با افزایش انتقادات به تعطیلی صحن علنی مجلس شورای اسلامی، هر چند روز یکبار وعده جدیدی درباره بازگشایی صحن توسط اعضای هیات رئیسه مطرح می‌شود. روز گذشته همچنین اسخا قی سخنگوی کمیسیون بهداشت و از نمایندگان نزدیک به رئیس مجلس مدعی شد: برنامه‌ریزی هیئت رئیسه بر این است که در آینده‌ای نزدیک، صحن مجلس به‌صورت حضوری و علنی بازگشایی شود. وی افزود: از ماه‌های گذشته، آقای



تهران

سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس درباره وضعیت تعطیلی صحن علنی مجلس اظهار داشت: هیئت رئیسه و تک‌تک نمایندگان بر این باورند که آنچه رخ داد، یک دستور امنیتی بود. وی افزود: با توجه به تغییر شرایط، به نظر بنده آن دلیلی که موجب می‌شد صحن

روایتی که نباید نادیده گرفت؛ وقتی اتاق‌های فکر آمریکا، جنگ را از اکتبر ۲۰۲۳ محاسبه می‌کنند

جنگی که هنوز تمام نشده است

روز پنجشنبه، جیمز جفری، دیپلمات با سابقه آمریکایی که در هفت دولت ایالات متحده مسئولیت داشته، در یادداشتی برای فارن افرز، جنگ با ایران را نه از حملات اخیر، بلکه از اکتبر ۲۰۲۳ روایت کرد. اهمیت این یادداشت، نه در آن است که همه ادعاهایش درست باشد، بلکه در این است که نشان می‌دهد بخشی از نخبگان سیاست خارجی آمریکا، جنگ را پایان یافته نمی‌دانند و معتقدند پروژه اصلی، تازه وارد مرحله تثبیت دستاوردها شده است. این نگاه، اگرچه الزاماً سیاست رسمی واشنگتن نیست، اما نادیده گرفتن آن نیز می‌تواند خطایی راهبردی باشد.

سعید قاسمی

روزنامه نگار

آمریکا سخن می‌گوید. از نگاه او، مسئله دیگر تغییر نظام در ایران نیست. آنچه اهمیت دارد، فرسایش تدریجی مؤلفه‌های قدرت ایران است. به بیان دیگر، اگر ایران هر سال نسبت به سال قبل، از بخشی از قدرت منطقه‌ای، توان نظامی، ظرفیت اقتصادی یا ابزارهای بازدارندگی خود فاصله بگیرد، راهبرد آمریکا موفق بوده است؛ حتی اگر هیچ تحول سیاسی در داخل ایران رخ ندهد.

اگر این تحلیل، بازتاب‌دهنده ذهنیت بخشی از اتاق‌های فکر

آمریکا باشد، آن‌گاه باید یک سؤال مهم را در داخل کشور مطرح کرد: آیا ما نیز با همین افق زمانی به تحولات نگاه می‌کنیم؟ با همچنان هر بحران را مستقل از بحران قبل تحلیل می‌کنیم و با هر آتش بس، تصور می‌کنیم پرونده یک تقابل بسته شده است؟ اما شاید مهم‌ترین انداز این مقاله، به تنگه هرمز مربوط باشد. جفری می‌پذیرد که امروز مهم‌ترین برگ برنده راهبردی ایران، توان تأثیرگذاری بر امنیت این آبراه است؛ اما بلافاصله نتیجه می‌گیرد که همین مزیت، آمریکا و متحدانش را به سمت بی‌اثر کردن آن سوق خواهد داد. توسعه خطوط لوله، سرمایه‌گذاری روی مسیرهای جایگزین انتقال انرژی، افزایش تولید نفت در خارج از خلیج فارس و کاهش وابستگی اقتصاد جهانی به هرمز، از نگاه او بخشی از همان پروژه بلندمدت است.

این بخش، شاید بیش از هر چیز دیگری شایسته تأمل باشد. اگر مهم‌ترین ابزار بازدارندگی ایران، در محاسبات طرف مقابل به هدف یک پروژه فرسایشی تبدیل شده باشد، آیا نباید از امروز درباره آینده آن اندیشید؟ آیا می‌توان مطمئن بود که مزیت‌های ژئوپلیتیکی امروز، بدون هیچ

اهمیت این مقاله در این است که برخلاف بسیاری از تحلیل‌های این روزها که بر سر این بحث می‌کنند چه کسی در آخرین درگیری پیروز شد، جفری اساساً صورت مسئله را تغییر می‌دهد. او می‌گوید سؤال اصلی این نیست که ایران در جنگ اخیر چه کرد یا آمریکا به همه اهداف خود رسید یا نه؛ سؤال این است که ایران امروز نسبت به اکتبر ۲۰۲۳

در چه موقعیتی قرار دارد؟ این تغییر زاویه نگاه، اتفاق کوچکی نیست. اگر مبنای تحلیل، یک نبرد یا حتی یک جنگ چند هفته‌ای باشد، طبیعی است که نتیجه‌گیری نیز محدود به همان بازه زمانی خواهد بود. اما اگر جنگ، یک پروژه چندساله برای تغییر موازنه قدرت در منطقه تعریف شود، آن‌گاه ارزیابی موفقیت و شکست نیز کاملاً متفاوت خواهد شد. جفری دقیقاً از همین زاویه استدلال می‌کند. او مدعی است که آمریکا و اسرائیل به اهداف خود نرسیدند، اما در مسیر تحقق هدفی بزرگ‌تر حرکت کرده‌اند؛ هدفی که از نگاه او، عبارت است از کاهش تدریجی قدرت منطقه‌ای ایران، تضعیف شبکه هم‌پیمانان، آسیب به توان نظامی و محدود کردن ظرفیت‌های بازدارندگی تهران.

ممکن است با این جمع‌بندی موافق نباشیم؛ اما آیا می‌توان از کنار خود این نوع نگاه به‌سادگی عبور کرد؟ وقتی چنین تحلیلی از سوی فردی با سابقه حضور در بالاترین سطوح سیاست خارجی آمریکا و در یکی از معتبرترین نشریات این حوزه منتشر می‌شود، دیگر صرفاً یک مقاله نیست؛ بلکه نشانه‌ای از نوع محاسباتی است که دست‌کم بخشی از نخبگان آمریکایی بر اساس آن آینده را طراحی می‌کنند.

شاید مهم‌ترین بخش این یادداشت، آنجاست که نویسنده از تغییر راهبرد

Iran Didn't Win the War

Tehran Is Still Losing the Long Game

JAMES F. JEFFREY

June 25, 2026



تغییری، ده سال دیگر نیز همان کارکرد را خواهند داشت؟ در سال‌های اخیر، بارها در داخل کشور گفته شده که «زمان به نفع ایران است». اما آنچه از خلال این یادداشت و برخی تحلیل‌های مشابه در محافل راهبردی آمریکا به چشم می‌آید، دقیقاً معکوس این گزاره است. آنان بر این باورند که اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، زمان به سود واشنگتن عمل خواهد کرد؛ زیرا ایران با رویکرد مبتنی بر نبرد فرسایشی، به تدریج بخشی از ابزارهای قدرت خود را از دست خواهد داد و اهرم‌های بازدارندگی‌اش تضعیف خواهد شد. درستی یا نادرستی این برداشت، محل بحث است؛ اما نادیده گرفتن آن، خطاست. تاریخ روابط بین‌الملل نشان داده است که قدرت‌ها، پیش از آنکه در میدان عمل تصمیم بگیرند، در اتاق‌های فکر به جمع‌بندی می‌رسند. شاید بزرگ‌ترین انداز این یادداشت نیز همین باشد؛ اینکه اگر طرف مقابل، جنگ را یک پروژه چندساله برای فرسایش قدرت ایران تعریف کرده است، خطای محاسباتی آن خواهد بود که ما آن را صرفاً به یک جنگ، یک آتش بس یا یک مذاکره تقلیل دهیم.

افزایش ۳۸۵ درصدی قیمت نان در دولت چهاردهم



طبق مصوبه استانداری تهران، قیمت نان با آرد دولتی افزایش یافت. براساس اعلام کارگروه آرد و نان، قیمت نان بربری با افزایش ۸۸ درصدی از ۵۳۰۰ تومان به ۱۰ هزار تومان، سنگک با افزایش ۱۰۳ درصدی از ۷۶۰۰ تومان به ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان و لواش با افزایش ۹۳ درصدی از ۱۴۰۰ تومان به ۲۷۰۰ تومان تغییر کرد. بر این اساس، قیمت انواع نان به طور متوسط رشد ۹۵ درصدی را تجربه کرد.

محمد جواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف، گفت: قیمت‌های جدید از سوی استانداری ابلاغ شده و از روز دوشنبه هفته گذشته روی دستگاه‌های نانینو در نانواپی‌های استان تهران اعمال شده است. او افزود: در بخش واحدهای آزادپز، به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، از جمله

با هماهنگی استانداران تعیین و متفاوت اعلام خواهد شد.

طبق آمار مرکز آمار ایران، تورم سالانه نان و غلات در فروردین واردیهشت امسال به ترتیب ۱۰۶.۷ و ۱۱۴.۲ درصد اعلام شده بود. طبق داده‌های مرکز آمار، از ابتدای بهار ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵، قیمت نان در تهران بیش از ۲۰۴ برابر افزایش یافته است. براساس اعلام بانک مرکزی، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ نان رکورددار تورم شد و نرخ تورم بیش از ۱۴۰ درصدی را تجربه کرد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای دولت چهاردهم تاکنون قیمت نان به طور میانگین ۳۸۵ درصد افزایش یافته است. براین اساس، نان لواش ۴۴۰ درصد، سنگک ۴۱۷ درصد و بربری نیز ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

نوبنیاد از ابهام در آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران گزارش می‌دهد:

پول ایران در مسیر مزرعه‌های آمریکا

یادداشت تفاهم خاتمه جنگ آمریکا علیه ایران، بامداد ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ توسط روسای جمهوری ایران و آمریکا امضا شد. این تفاهم از سوی مقام‌های اقتصادی دولت چهاردهم از جمله عبدالناصر همتی با وعده «افزایش قدرت بانک مرکزی»، «آزادسازی منابع بلوکه‌شده» و «تسهیل صادرات نفت» معرفی شده اما درحالی‌که رئیس بانک مرکزی از دسترسی به ۱۲ میلیارد دلار از منابع مسدودشده سخن گفت و تأکید کرد که استفاده از این منابع برای واردات کالاهای اساسی و دارو استفاده خواهد شد.

است. بر اساس گفته‌های همتی، فروش نفت ایران و نقل و انتقالات مالی مرتبط با آن در یک دوره ۶۰ روزه از تحریم‌ها معاف خواهد بود. رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد که مزیت اصلی این معافیت، کاهش هزینه‌های نقل و انتقال پول و حذف بخشی از پیچیدگی‌های ناشی از تحریم است. او البته تصریح کرده که شبکه‌های ایجادشده برای خنثی‌سازی تحریم‌ها کنار گذاشته نخواهد شد و ایران به تدریج آثار عملی این معافیت را ارزیابی خواهد کرد. براساس تفاهم‌نامه، معافیت فروش نفت ایران تنها برای ۶۰ روز اعتبار دارد و تمدید آن نیز به روند مذاکرات وابسته خواهد بود.

شاید صریح‌ترین توصیف از نگاه آمریکا به تفاهم‌نامه را اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری این کشور، بیان کرده باشد. او گفته است: «لغو تحریم‌های نفتی ایران مثل دادن هویچ به آنهاست... این یک هویچ است که ما همیشه می‌توانیم آن را پس بگیریم.» این جمله، بیش از هر چیز بر موقتی بودن امتیازات ارائه‌شده از سوی آمریکا تأکید دارد. تجربه خروج آمریکا از برجام نیز نشان داد که تعلیق تحریم‌ها بدون وجود سازوکارهای الزام‌آور و تضمین‌های حقوقی، می‌تواند در معرض بازگشت قرار گیرد. کارشناسان معتقدند آمریکا در پی آن است که با ایجاد یک تنفس محدود و کنترل‌شده، اقتصاد ایران را به معافیت‌های موقت وابسته کند؛ معافیت‌هایی که هر زمان امکان بازگرداندن آنها وجود دارد. آنچه بیش از بجز امتیازات دارد، راستی آزمایی تعهدات طرف آمریکایی است؛ موضوعی که تجربه برجام اهمیت آن را دوچندان کرده است. اکنون که ۹ روز از پس از امضای تفاهم‌نامه، هنوز مشخص نیست چه میزان از منابع وعده داده‌شده عملاً در دسترس ایران قرار گرفته است. آنچه تاکنون روشن شده، وجود دو روایت متفاوت است؛ روایتی که از افزایش قدرت تأمین ارزی بانک مرکزی و تقویت ذخایر سخن می‌گوید و روایتی که در واشنگتن بر هادیت منابع به سمت خرید کالاهای آمریکایی و امکان بازگرداندن سریع معافیت‌ها تأکید دارد. تا زمانی که نحوه دسترسی ایران به این منابع و میزان اختیار بانک مرکزی در استفاده از آنها به صورت شفاف مشخص نشود، این پرسش همچنان پابرجا خواهد ماند که آیا دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شده‌اند یا تنها شکل مدیریت و مصرف آنها تغییر کرده است.

دستمزد کارگران و سایر هزینه‌های جاری، قیمت‌ها تابع شرایط عرضه و تقاضاست و نرخ‌گذاری آن‌ها بر اساس مصوبات کارگروه و توسط اتحادیه‌های صنفی انجام می‌شود.

اما حمید رستگار، رئیس اتاق اصناف تهران گفت: نرخ‌های جدید از روز شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ (امروز) اجرایی می‌شود. او افزود: تلاش ما این است که هرج و مرج قیمتی در بازار نان متوقف شود و همه نانویان، اعم از سنتی، یارانه‌ای و آزادپز، همچنین نانویان صنعتی، از نرخ‌های رسمی و مصوب تبعیت کنند. رئیس اتاق اصناف تهران بیان کرد: نرخ نان هر سال از سوی اتحادیه نانویان بررسی و کارشناسی می‌شود و این نرخ‌ها با توجه به شرایط متفاوت تهران، شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها،



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، اول تیرماه اعلام کرد: «با پیشرفت مذاکرات، انتظار داریم درآمد‌های ارزی دولت افزایش و قدرت تأمین ارز بانک مرکزی از محل منابع مسدودی بانک، افزایش داشته باشد.» او سه روز بعد نیز در تشریح جزئیات اقتصادی تفاهم‌نامه گفت: «آنچه در حال حاضر برای ما ضرورت دارد، امکان استفاده از این منابع است. همتی افزود: «در مرحله نخست ۱۲ میلیارد دلار آزاد خواهد شد و این منابع برای واردات کالاهای اساسی و دارو مورد استفاده قرار می‌گیرد.» همتی درباره اظهارات مقام‌های آمریکایی مبنی بر الزام ایران به خرید محصولات کشاورزی از آمریکا گفت: «چنین الزامی در یادداشت امضا شده وجود ندارد و بحث خرید اجباری از آمریکا مطرح نیست. ما هیچ مانعی برای خرید از آمریکا نمی‌بینیم؛ به شرط آنکه نرخ و کیفیت کالاهای اساسی مانند ذرت، گندم یا سایر اقلام مورد نیاز ما مناسب باشد.» جعفر قائم‌پناه،

معاون اجرایی رئیس‌جمهور، چند روز پیش از آن اعلام کرده بود که ۲۵ میلیارد دلار دارایی‌های بلوکه‌شده ایران برای توسعه زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان پیش‌تر از مذاکره درباره سازوکارهای آزادسازی منابع خبر داده و گفته بود، اگر یادداشت تفاهم امضا شد، «آن زمان توضیح می‌دهم که چه اتفاقی افتاده است. در مقابل، مقام‌های آمریکایی هنوز از آزادسازی قطعی منابع سخن نگفته‌اند و بیشتر بر نحوه هزینه‌کرد آنها تأکید دارند.

اما در سوی دیگر، روایت مقام‌های آمریکایی تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. دونالد ترامپ اعلام کرده است که منابع آزادشده ایران برای خرید مواد غذایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و این خریدها «به طور انحصاری از کشاورزان آمریکایی» انجام می‌شود. او همچنین از ایران به عنوان «بازاری بزرگ» برای محصولات کشاورزی آمریکا یاد کرده است.

جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیز گفته است: «اگر پول‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کنیم، مطمئن باشیم که صرف خرید سوپا،



آمریکا برای دارایی‌های ایران تصمیم نگیرد

محمد صالح چوکار، نماینده مجلس؛ دارایی‌های آزادشده در اختیار کامل ایران است و هرگونه که صلاح بدانیم، آن‌ها را هزینه خواهیم کرد. آمریکایی‌ها حق تعیین تکلیف برای دارایی‌های آزادشده ایران را ندارند. آمریکایی‌ها بارها و بارها نشان داده‌اند که قابل اعتماد نیستند و با عهدشکنی‌های خود، زمینه را برای بی‌اعتمادی به خودشان فراهم کرده‌اند. ما در توافق پیش رو هیچ اعتمادی به مقامات آمریکایی نداریم و تیم مذاکره‌کننده کشورمان باید با دقت کافی کار را پیش ببرد. پیشرفت در اجرای توافق منوط به تحقق و اجرای بندهای آن است و تا زمانی که بندهای اول اجرایی نشود، وارد بندهای بعدی و مراحل بعدی توافق نخواهیم شد.

نبض اقتصاد

گرانی تاخت، کالابرگ باخت

دولت چهاردهم، نیمه دی‌ماه سال گذشته، سیاست ارز تک‌نرخه را اجرایی کرد. براساس این تصمیم دولت، ارز کالاهای اساسی که ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان بود، به محدوده ۱۱۲ هزار تومان تغییر کرد. این نرخ از نیمه دی‌ماه تاکنون، با افزایش ۳۴ هزار تومانی، به حدود ۱۴۶ هزار تومان رسیده است. بر اساس طرح دولت، به هراترانی ساکن کشور، ماهانه یک میلیون تومان اعتبار خرید ۱۱ قلم از اقلام کالابرگ اختصاص پیدا کرد. تاکنون، ۶ مرحله کالابرگ اجرایی شده است. دولت در آغاز این طرح اعلام کرد که مبلغ اعتبار کالابرگ براساس افزایش نرخ ارز و تورم تغییر خواهد کرد. طبق ماده ۳ آیین‌نامه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم»، مصوب ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ هیئت وزیران، دولت موظف است افزایش هزینه ناشی از تغییر قیمت اقلام سبد کالابرگ را به صورت فصلی ارزیابی کند و از محل منابع حساب پشتیبان، اعتبار کالابرگ را متناسب با تورم افزایش دهد.

مرحله هفتم کالابرگ، طبق جدول زمان‌بندی، از نیمه تیر آغاز خواهد شد، اما دولت با وجود افزایش قیمت‌ها، تاکنون تصمیم نهایی درباره میزان افزایش اعتبار کالابرگ را اعلام نکرده است. غلامرضا نوری قزلبه، وزیر جهاد کشاورزی، در روزهای پایانی خرداد امسال، با اشاره به تلاش دولت برای انجام اصلاحات ارزی، گفت: با دستور رئیس‌جمهور، افزایش مبلغ کالابرگ و نحوه جبران افزایش قیمت‌ها در کمیسیون عالی دولت در حال بررسی است و اگر به نتیجه برسیم، اعلام خواهد شد. تسنیم در همین باره نوشت: براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، یکی از مهم‌ترین سناریوهای در حال بررسی، حذف بخشی از خانوارهای پردرآمد از فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ و اختصاص منابع آزادشده به دهک‌های پایین درآمدی است.

یعقوب اندیش، معاون رفاه‌وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گفت: بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد هزینه سبد ۱۱ قلم کالای اساسی نسبت به ابتدای اجرای طرح، حدود ۶۸ درصد افزایش یافته است. وی از بررسی سناریوهای افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی اعتبار کالابرگ برای برخی دهک‌ها خبر داد و تأکید کرد: تصمیم نهایی در این باره به تأمین منابع پایدار و غیرتورمی بستگی دارد.

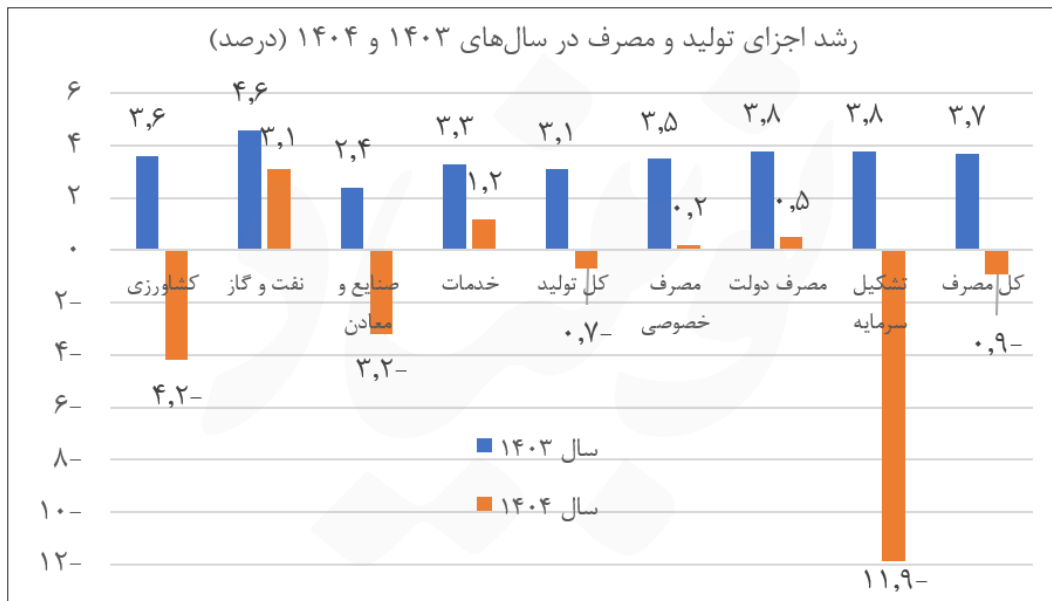
محسن بیگلری، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، می‌گوید: اعتبار کالابرگ‌ها باید دو تا سه برابر افزایش پیدا کند تا قدرت خرید خانوارها تقویت شود. امروز قیمت بسیاری از کالاهای نسبت به گذشته دو تا سه برابر شده و یک میلیون تومان فقط کفاف خرید نصف مرغ را می‌دهد. زهرا خدادادی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، هم گفت: مبلغ کالابرگ باید متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا کند. براساس وعده‌های مطرح‌شده از سوی دولت در زمان اجرای این طرح، قرار بود ارزش کالابرگ همگام با رشد قیمت کالاهای اساسی و نرخ تورم به‌روزرسانی شود تا قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد حفظ شود.

انتشار گزارشی واقعی توسط بانک مرکزی از رکود اقتصادی

دو سال عملکرد اقتصادی دولت بی برنامه

گزارش بانک مرکزی از عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴، نشان می‌دهد رشد اقتصادی متوقف شده و سرمایه‌گذاری سقوط کرده است؛ به نوعی اقتصاد ایران یک گام به عقب رفت. بر اساس این گزارش، اقتصاد کشور پس از

رشد مثبت در سال ۱۴۰۳ با رشد منفی، افت سرمایه‌گذاری، کاهش مصرف و تضعیف بخش‌های اصلی تولید در سال گذشته مواجه شده است؛ آماري که ادعای نسبت دادن مشکلات اقتصادی به جنگ را با تردید مواجه کرده است.



حمید کمار
روزنامه نگار

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم که در ایام انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ عملکرد اقتصادی دولت شهید رئیسی را، با وجود رشد اقتصادی مثبت، کاهش تورم، افزایش اشتغال و... مورد انتقاد قرار می‌داد، اکنون در محاصره آمارهای ضعیف قرار گرفته است. هر بار که اطلاعات جدیدی از شاخص‌های اقتصادی منتشر می‌شود، مقامات دولت و خصوصاً شخص پزشکیان بیش از گذشته در باتلاق آن نقد‌های غیرمنصفانه فرو می‌روند. در تازه‌ترین مورد، گزارش بانک مرکزی از پسرقت اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۴، خط بطلان دیگری بر آن نقدها کشید و عیار مدعیان دیروز و دولتمردان امروز را آشکار کرد. شاید همین وضعیت باعث شده است که مقامات دولت، به جای دفاع از عملکرد خود، به «مقصر تراشی» با جنگ و «تهدید رسانه‌ها» روی آورند؛ چرا که آمارها دیگر جایی برای دفاع دولت از عملکرد خود باقی نگذاشته‌اند.

هیچ تحلیل، تفسیر یا دانش اقتصادی خاصی برای فهم پیام اصلی گزارش جدید بانک مرکزی از تحولات بخش واقعی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ لازم نیست. فقط کافی است جدول شماره ۱ این گزارش مرور شود. جدول مذکور نشان می‌دهد تمام بخش‌های اقتصاد ایران (چه در سمت تولید و چه در سمت مصرف) رشد ضعیف‌تری نسبت به سال پایانی دولت سیزدهم (۱۴۰۳) داشته‌اند. رشد اکثر بخش‌ها منفی بوده که به معنای عقب‌گرد این بخش‌هاست. رشد مثبت معدود بخش‌های باقی‌مانده نیز به مراتب ضعیف‌تر از رشد آن‌ها در سال ۱۴۰۳ بوده است. گزارش جدید بانک مرکزی نشان می‌دهد اقتصاد کشور، پس از رشد ۳٫۱ درصدی در سال پایانی دولت سیزدهم، در سال گذشته ۰٫۷ درصد کوچک‌تر شده است. همچنین بخش غیرنفتی اقتصاد نیز، پس از رشد ۳ درصدی در سال ۱۴۰۳، افت ۱٫۱ درصدی را در سال ۱۴۰۴ تجربه کرده است.

عقب‌گرد صنعت، کشاورزی و ساختمان

طبق آمارهای بانک مرکزی، بخش کشاورزی که در سال ۱۴۰۳ رشد ۳٫۶ درصدی داشت، در سال ۱۴۰۴ رشد منفی ۴٫۲ درصدی را ثبت کرد. صنعت نفت و گاز نیز، با وجود ثبت رشد ۳٫۱ درصدی در سال گذشته، عملکرد ضعیف‌تری نسبت به سال ۱۴۰۳ با رشد ۴٫۶ درصدی داشته است. گروه صنایع و معادن

هم که در سال ۱۴۰۳ رشد ۲٫۴ درصدی را ثبت کرده بود، در سال ۱۴۰۴ با افت ۳٫۲ درصدی مواجه شد.

بدترین عملکرد در این گروه و البته در تمام بخش‌های سمت عرضه، متعلق به بخش ساختمان بوده است. بخش ساختمان در سال گذشته سقوط آزاد ۱۵٫۸ درصدی را تجربه کرد، در حالی که در سال ۱۴۰۳ این بخش ۳٫۴ درصد رشد کرده بود. بخش صنعت نیز که در سال ۱۴۰۳ رشد ۲٫۳ درصدی را ثبت کرده بود، با افت ۱٫۶ درصدی تولید در سال گذشته مواجه شد.

افت مصرف خصوصی پس از سیاست ارزی جدید

در سمت اقلام هزینه‌نیز روند‌ها، همچون سمت عرضه، نزولی بوده است. مصرف خصوصی، به عنوان شاخصی از رفاه خانوار، در هر چهار فصل سال گذشته روندی نزولی داشته است. افت شدید مصرف خصوصی در فصل چهارم سال گذشته، تأثیر سیاست جدید ارزی موسوم به «یکسان‌سازی نرخ ارز» بر این بخش را نشان می‌دهد. این سیاست که در میانه دی‌ماه سال گذشته اجرا شد، با حذف ارز ترجیحی و افزایش ۵۰ درصدی نرخ ارز در مرکز مبادله، باعث افزایش شدید قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان شد.

همان‌زمان نیز برخی از کارشناسان، کاهش مصرف به دلیل کاهش قدرت خرید خانوار در نتیجه اجرای این سیاست را پیش‌بینی می‌کردند. کاهش مصرف در نتیجه افزایش شدید قیمت، موضوعی است که با ادبیات

رایج علم اقتصاد و به‌طور خاص، مبحث عرضه و تقاضا مطابقت کامل دارد. البته تنها مصرف خصوصی نبوده که تحت تأثیر این سیاست قرار گرفته است؛ چرا که مصرف دولتی نیز، که در سه فصل ابتدایی سال ۱۴۰۴ رشد مثبت داشت، در فصل پایانی افت ۱٫۷ درصدی را تجربه کرد.

سقوط آزاد

تشکیل سرمایه

کلیدی‌ترین بخش از اقلام هزینه‌نهایی، اما وضعیتی به مراتب بدتر از دو بخش دیگر دارد. تشکیل سرمایه ثابت

ناخالص که در سال ۱۴۰۳ رشد ۳٫۸ درصدی را ثبت کرده بود، در سال گذشته با سقوط آزاد ۱۱٫۹ درصدی مواجه شد. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، در واقع بخشی از سمت تقاضای اقتصاد است که صرف افزایش ظرفیت تولید می‌شود. ساخت کارخانه‌های جدید، خرید ماشین‌آلات صنعتی، احداث نیروگاه، ساخت جاده و راه‌آهن، ساخت انبار و سوله یا خرید تجهیزات تولید، همگی مثال‌هایی از تشکیل سرمایه و افزایش ظرفیت تولید آینده اقتصاد هستند. سقوط ۱۱٫۹ درصدی تشکیل سرمایه در سال گذشته، به معنای کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش ظرفیت تولید اقتصاد کشور در سال‌های آینده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد جزء تشکیل سرمایه، با سقوط ۱۱٫۹ درصدی در سال گذشته، دومین افت بزرگ خود در دهه اخیر (پس از سال ۱۳۹۷ با افت ۱۵٫۸ درصدی) را ثبت کرده است. آمارهای بانک مرکزی حاکی از آن است که سطح تشکیل سرمایه در سال ۱۴۰۴ به کمتر از سال ۱۴۰۱ رسیده است.

به زبان ساده، این اتفاق یعنی دولت پزشکیان تمام زحمات دولت شهید رئیسی در زمینه رشد سرمایه‌گذاری در تولید را از بین برده است. نکته مهم درباره جزء تشکیل سرمایه، تکرار ارقام شدیداً منفی در تمامی چهار فصل سال گذشته است. این وضعیت نشان می‌دهد بحران تضعیف زیرساخت‌های تولید اساساً هیچ ارتباطی با جنگ نداشته و در تمامی چهار فصل سال گذشته روندی یکسان داشته است.

درصد تغییر (رشد) تولید ناخالص داخلی		
به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۳	سال ۱۴۰۴
گروه کشاورزی	۳٫۶	-۴٫۲
گروه نفت	۴٫۶	۳٫۱
گروه صنایع و معادن	۲٫۴	-۳٫۲
گروه خدمات	۳٫۳	۱٫۲
تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	۳٫۱	-۰٫۷
مخارج مصرف نهایی بخش خصوصی	۳٫۵	۰٫۲
مخارج مصرف نهایی بخش دولتی	۳٫۸	۰٫۵
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۳٫۸	-۱۱٫۹
صادرات کالاها و خدمات	۶	-۴٫۹
واردات کالاها و خدمات	۲٫۷	-۱۶٫۶
هزینه ناخالص داخلی به قیمت پایه	۳٫۷	-۰٫۹

بازار خودرو

قیمت‌گذاری خودرو در بن‌بست

ایران خودرو با مدیریت بخش خصوصی، یعنی کروز و شرکا، روز ۲۷ خرداد امسال برای چهارمین بار طی یک سال گذشته قیمت محصولات خود را بین ۳۰ تا ۵۰ درصد گران کرد. این شرکت مجوز افزایش قیمت را بر اساس مصوبه شورای رقابت دریافت کرده بود و با توجه به رشد هزینه‌های تولید، امکان اعلام قیمت‌های جدید را داشت. یک روز بعد، یعنی ۲۸ خرداد، عزت‌الله‌زعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، اعلام کرد که ایران خودرو اسناد و مدارک خود را به سازمان حمایت ارسال کرده، اما میان قیمت‌های اعلامی این خودرو ساز و محاسبات سازمان حمایت اختلاف وجود دارد و قیمت‌ها باید اصلاح شود. در پی این موضوع، همان روز اصلاحیه قیمت پایه محصولات ایران خودرو منتشر شد که بر اساس آن، قیمت سه خودرو از مجموع ۲۵ خودرو اندکی کاهش یافت.

برای نمونه، قیمت دنا پلاس دستی ۶ دنده حدود ۱۳ میلیون تومان کاهش پیدا کرد. با این حال، ماجرا به همین جا ختم نشد. ایران خودرو دو روز بعد، در ۳۰ خرداد، اعلام کرد که کاهش قیمت‌های اعمال شده فقط مربوط به عرضه دوره سیزدهم فروش این شرکت بوده و در عمل، قیمت محصولات این خودرو ساز دوباره گران خواهد شد؛ به این ترتیب، نه تنها ابهام‌ها برطرف نشد، بلکه این پرسش جدی‌تر شد که مرجع نهایی قیمت‌گذاری خودرو دقیقاً کدام نهاد است و چرا میان اعلام خودرو ساز، محاسبات سازمان حمایت و موضع وزارت صمت این همه اختلاف وجود دارد.

ایران خودرو بلافاصله پس از اعلام قیمت‌های جدید، سیزدهمین دوره فروش محصولات خود را برگزار کرد. در این دوره، ۶۲ هزار خودرو برای متقاضیان عادی، طرح جوانی جمعیت و مالکان خودروهای فرسوده عرضه شد، اما از میان حدود ۱٫۸ میلیون شرکت‌کننده در قرعه‌کشی، تنها حدود هزار نفر در مهلت مقرر برای واریز وجه اقدام کردند. همچنین تعداد شرکت‌کنندگان در این مرحله نسبت به دفعات پیشین قرعه‌کشی، حدود ۷۰ درصد کاهش یافت. این شرکت در بهمن‌ماه سال گذشته نیز بدون دریافت مجوز، قیمت‌های جدیدی اعلام کرده بود که با واکنش نهادهای نظارتی مکلف به اصلاح قیمت‌ها شد، اما در پایان، قیمت‌های مصوب با اندکی کاهش نسبت به نرخ‌های اعلامی این شرکت، تأیید شد.

حالا، در شرایطی که ۱۰ روز از آن افزایش قیمت گذشته و فروش نیز انجام شده است، محمدصادق مفتاح، قائم مقام وزیر صمت، می‌گوید: این وزارتخانه نسبت به میزان افزایش قیمت ایران خودرو معترض است و این خودرو ساز «بیش از حد» قیمت‌ها را افزایش داده است. او تأکید کرد: این خودرو ساز باید برای بررسی قیمت‌ها، اسناد و مدارک خود را به سازمان حمایت ارائه کند و به نظر وزارت صمت تمکین کند. این یعنی حتی پس از اجرای افزایش قیمت و فروش، همچنان درباره مبانی این قیمت‌ها اختلاف نظر جدی وجود دارد. این اظهارات عملاً نشان می‌دهد که میان اعلام قیمت، بررسی کارشناسی، اصلاح احتمالی و اجرای فروش، هماهنگی لازم وجود نداشته است؛ نتیجه چنین روندی چیزی جز بی‌ثباتی در بازار و تضعیف مرجعیت نهادهای تنظیم‌گر نیست.

البته سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در توضیح اظهارات مفتاح، درباره ضرورت اصلاح قیمت‌های اخیر ایران خودرو اعلام کرد: منظور او از این اظهارات، اصلاح شیوه قیمت‌گذاری خودرو بوده و این سخنان به معنای اصلاح قیمت‌های اخیر ایران خودرو نیست. در این توضیح آمده است که موضوع اصلاح شیوه قیمت‌گذاری خودرو در کمیته خودرو، که سازمان حمایت نیز یکی از ارکان اصلی آن است، مطرح شده و جلسات بررسی این موضوع آغاز شده است.

سازمان حمایت تصریح کرد: تاکنون چند جلسه در این زمینه برگزار شده و بررسی‌ها همچنان ادامه دارد. در این جلسات قرار است مدل جدیدی برای قیمت‌گذاری خودرو طراحی شود. بر اساس این گزارش، پس از نهایی شدن این مدل، پیشنهاد مربوطه به شورای رقابت ارائه خواهد شد تا این شورای آن را بررسی کرده و در صورت تأیید، برای اجرا ابلاغ کند.

اقتصاد ایران پیش از جنگ در مسیر تضعیف بود

نکته مهم در آمارهای بانک مرکزی، روند رو به نزول رشد اقتصادی در تمامی فصول پیش از جنگ است. در حالی که دولت تلاش دارد جنگ را عامل اصلی مشکلات اقتصادی کنونی معرفی کند، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد روند تضعیف اقتصاد ایران پیش از جنگ آغاز شده بود.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد سطح تولید بخش غیرنفتی اقتصاد کشور در ۹ ماهه نخست سال گذشته، حدود ۰٫۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است. این یعنی روند کوچک‌تر شدن و تضعیف اقتصاد ایران پیش از جنگ نیز وجود داشته و معرفی جنگ به عنوان عامل اصلی این موضوع، آدرس غلط است.

بازی جدید واشنگتن با کشورهای خلیج فارس لزوم عملکرد فعالانه تر مسئولان را بیشتر کرده است

زمان پایان مماشات بانوکران آمریکایی

تحركات اخیر برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان می‌دهد واشنگتن بار دیگر در تلاش است از ظرفیت منطقه‌ای خود برای فشار بر ایران استفاده کند؛ غافل از اینکه معادله قدرت در منطقه نسبت به گذشته تغییر کرده است.

درباره برنامه‌های هسته‌ای و دفاعی ایران، یادآور همان سناریوهای قدیمی است. سناریویی که تلاش دارد برخی کشورهای عربی را در جایگاه سخنگوی سیاست‌های آمریکا قرار دهد. اما مسئله اصلی این است که شرایط منطقه نسبت به گذشته تغییر کرده است. تجربه درگیری‌های اخیر نشان داد که تکیه بر حمایت آمریکا نه تنها امنیت واقعی برای کشورهای منطقه ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند آنها را به بخشی از بحران تبدیل کند. پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه بارها به عنوان ابزار فشار علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند و ادامه این روند نمی‌تواند و نباید بدون هزینه باقی بماند.

البته باید میان رفتار کشورهای عربی منطقه و دشمنان اصلی ایران تفاوت قائل شد. این کشورها همسایگان دائمی ایران هستند و امنیت آنها در نهایت به امنیت ایران گره خورده است. اما همسایگی به معنای پذیرش سیاست‌های خصمانه نیست. نمی‌توان انتظار داشت کشوری از یک سو میزبان ابزارهای فشار علیه ایران باشد و از سوی دیگر از منافع اقتصادی و ثبات منطقه‌ای بهره‌مند شود.

تنش‌زایی بی‌هزینه

از سوی کشورهای حاشیه‌ای

شاید یکی از دلایل جسات برخی رفتارهای اخیر، برداشت نادرست از رویکردهای گذشته ایران باشد، اینکه تهران بارها تأکید کرده حساب دولت‌های منطقه را از آمریکا جدا می‌داند و تلاش کرده دامنه تنش را مدیریت کند. این سیاست اگر با درک متقابل همراه نشود، ممکن است توسط برخی طرف‌ها به اشتباه به عنوان ضعف تعبیر شود در حالی که ایران بارها نشان داده توان پاسخگویی به تهدیدها را دارد.

اکنون زمان آن است که دیپلماسی همراه با قدرت سخت در کنار یکدیگر، پیام روشنی به منطقه ارسال کنند. واکنش صرفاً رسانه‌ای و صدور بیانیه کافی نیست؛ رفتارهای خصمانه باید هزینه‌های گزافی داشته باشد. توافق‌های منطقه‌ای زمانی معنا دارد که بر پایه احترام متقابل و پذیرش واقعیت‌های جدید شکل بگیرد، نه بر مبنای فشار، تهدید و بازی با کارت قدرت‌های خارجی.

خود در قبال تنگه هرمزو اهمیت این گذرگاه برای اقتصاد جهانی و در چارچوب پایبندی ثابت خود به حقوق بین‌الملل و حقوق دریاهای برای تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه بدون دریافت عوارض عبور و همسو با نتایج تلاش‌ها و رایزنی‌هایی که میان آمریکا و ایران به دست آمده است، با هماهنگی سازمان بین‌المللی دریانوردی اقدام به فراهم کردن امکان استفاده از یک مسیر دریایی موقت برای تمامی کشتی‌ها کرده است.

کشوری که همواره به دیپلماسی آرام و روابط متوازن با ایران شناخته می‌شد، با اعلام ایجاد مسیری جداگانه برای عبور شناورها در تنگه هرمز، اقدامی انجام داد که خارج از چارچوب مناسبات معمول بود. واکنش ایران به این اقدام نشان داد که امنیت آبراه حیاتی خلیج فارس موضوعی نیست که با تصمیم‌های یک جانبه و خارج از هماهنگی‌های منطقه‌ای مدیریت شود. درس کلیدی برای ایران این است که هرچه وابستگی به بازیگران بیرونی بیشتر شود، امکان اثرگذاری مستقل بر معادلات منطقه‌ای کاهش می‌یابد.

ماجراجویی قطر، بحرین و کویت

قطر نیز با وجود سابقه روابط متفاوت و نقش خود در برخی میانجی‌گری‌ها، در روزهای اخیر مواضعی اتخاذ کرده که با جایگاه یک میانجی بی‌طرف سازگار نیست. کشوری که همزمان مدعی نقش تسهیل‌کننده در مذاکرات است، نمی‌تواند با ادبیاتی همراه شود که عملاً در راستای فشار بر ایران تعریف می‌شود. کویت نیز با ادامه بازداشت نیروهای نظامی ایرانی و عدم فراهم کردن دسترسی‌های کنسولی، اقدامی انجام داده که به جای کاهش تنش، بر سوءتفاهم‌ها و بی‌اعتمادی‌ها می‌افزاید. بحرین هم با ادامه سیاست‌های سختگیرانه علیه شیعیان و علمای خود و همچنین محدودیت‌های اعمال‌شده بر مراسم مذهبی، بار دیگر نشان داده که همچنان در مسیر تقابل حرکت می‌کند. همزمان، بیانیه‌های مشترک منتشر شده پس از سفر مقام‌های آمریکایی به منطقه و تکرار ادعاهای واشنگتن



محسن پوردادفر

روزنامه‌نگار



بیانیه متوهمانه و آمریکایی که از سوی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس اخیراً منتشر شده است، در مواضع و رفتار برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، نشانه‌هایی از یک خطای محاسباتی خطرناک را آشکار کرده است. خطایی که ریشه آن را باید در تلاش آمریکا برای بازسازی نقش از دست‌رفته خود در منطقه و استفاده ابزاری از برخی دولت‌ها و شیوخ عربی برای فشار بر ایران جست‌وجو کرد. واشنگتن که در میدان تقابل مستقیم با ایران نتوانسته معادله مطلوب خود را تحمیل کند، اکنون بار دیگر به سراغ مهره‌ها و غلامان حلقه به گوش منطقه‌ای خود رفته تا با ایجاد فشار سیاسی و تبلیغاتی، در میز مذاکرات آینده امتیازگیری کند.

رفتارهای اخیر برخی کشورهای خلیج فارس نشان می‌دهد هنوز عده‌ای در این کشورها واقعیت تغییر موازنه قدرت در منطقه را درک نکرده‌اند یا سعی می‌کنند خود را به خواب بزنند. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بارها نشان داده که امنیت منطقه موضوعی تفکیک‌ناپذیر است و هیچ کشوری نمی‌تواند با تکیه بر حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، علیه همسایه قدرتمند خود سیاست‌ورزی کند و همزمان انتظار ثبات و رفاه داشته باشد.

اقدام خطرناک عمان

مواضع اخیر برخی از این کشورها همچون رفتار اخیر عمان قابل تأمل است. خبرگزاری رسمی عمان در اطلاعیه‌ای [در صبح ۳ تیر ۱۴۰۵] نوشت: سلطنت عمان با توجه به مسئولیت



لزوم بازنگری در ادبیات مسئولان نسبت به کشورهای عربی

شاید یکی از دلایل جسات برخی رفتارهای اخیر، برداشت نادرست از رویکردهای گذشته ایران باشد، اینکه تهران بارها تأکید کرده حساب دولت‌های منطقه را از آمریکا جدا می‌داند و تلاش کرده دامنه تنش را مدیریت کند. این سیاست اگر با درک متقابل همراه نشود، ممکن است توسط برخی طرف‌ها به اشتباه به عنوان ضعف تعبیر شود در حالی که ایران بارها نشان داده توان پاسخگویی به تهدیدها را دارد و ممکن است این سیاست را تغییر دهد.

یادداشت

آزمون سخت لبنان برای مذاکره‌کنندگان

علیرضا خوشبخت
روزنامه‌نگار

بیش از یک هفته از امضای تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا گذشته است اما همچنان بند نخست این تفاهم که به عنوان نقطه آغاز اجرای تعهدات طرف مقابل مطرح شده بود، در عمل با نشانه‌های جدی از عدم اجرا مواجه است.

رژیم صهیونیستی نه تنها نشانه‌ای از توقف اقدامات خود در جنوب لبنان نشان نمی‌دهد، بلکه با صراحت از ادامه عملیات و حفظ حضور نظامی خود در این منطقه سخن می‌گوید. نخست‌وزیر کودک‌کش این رژیم با لحنی آشکار اعلام کرده است که این رژیم قصد عقب‌نشینی از جنوب لبنان را ندارد و مدعی شده است: «ما از فراز قله بوفورت، بر جنوب لبنان تسلط کامل داریم و تا هر زمان که لازم باشد، در منطقه امنیتی جنوب لبنان باقی خواهیم ماند.»

وی همچنین تأکید کرده است که نیروهای رژیم صهیونیستی برای مقابله با هر تهدیدی علیه سربازان این رژیم یا ساکنان مناطق شمالی، آزادی عمل کامل دارد. این اظهارات به روشنی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی نه تنها برنامه‌ای برای پایان دادن به اقدامات خود ندارد، بلکه درصدد تثبیت اشغالگری و ادامه جنایات خود در جنوب لبنان است. این وضعیت برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت دو پیام مهم دارد. نخست آنکه مسئله حمایت از متحدان و جلوگیری از تکرار تجربه‌های تلخ تاریخی، موضوعی راهبردی است. اگر قرار باشد حزب‌اللهیها گذاشته شود و در برابر جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی پاسخی متناسب داده نشود، این تجربه می‌تواند به نقطه‌ای تلخ برای جریان مقاومت تبدیل شود. در تاریخ ایران، کمتر نمونه‌ای وجود دارد که کشوری متحدی داشته باشد که در یک جنگ، بیشتر از خود آن کشور شهید داده باشد. حزب‌الله‌بان سال‌ها در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی ایستادگی کرده و هزینه‌های سنگینی پرداخت کرده است.

اگر نتوانیم شرط عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی و پایان تجاوزات در لبنان را محقق کنیم، این مسئله می‌تواند در آینده به عنوان یک تجربه تلخ در جبهه مقاومت ثبت شود. تجربه‌ای که دشمن را به این نتیجه برساند که با فشار و نقض تعهدات می‌تواند هزینه‌ای پرداخت نکند.

پیام دوم نیز مربوط به خود روند تفاهم است. وقتی نقض یک بند از توافق‌ها بدون پاسخ جدی باقی بماند، طرف مقابل در اجرای بندهای بعدی نیز بهانه‌تراشی خواهد کرد. دشمن اگر ببیند در همان گام نخست می‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، طبیعی است که در مراحل بعدی نیز مسیر مشابهی را دنبال خواهد کرد.

اکنون انتظار می‌رود تیم مذاکره‌کننده و مسئولانی که تعهد به برآورده کردن منافع کشور داده‌اند، در مواجهه با این نشانه‌های نقض عهد، منافع ملی را در اولویت قرار داده و بار دیگر به مسیر تعیین‌شده از سوی رهبر انقلاب بازگردند.

وقتی «تفاهم» به دورزدن ژئوپلیتیک ایران ختم می‌شود

دیپلماسی پرهزینه

اگر تا دیروز گفته می‌شد مذاکرات قرار است امنیت، منافع و موقعیت راهبردی ایران را تثبیت کند، امروز رخدادهای تنگه هرمز سؤال دیگری را پیش روی افکار عمومی گذاشته است؛ چرا درست

پس از سفر تیم مذاکره‌کننده و رایزنی‌های مسقط، عمان عملاً مسیری را فعال کرده که نقش و موقعیت ایران در حساس‌ترین آبراه جهان را دور می‌زند و آمریکا نیز از آن استقبال می‌کند؟



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

مدیریتی مورد بحث را از دستور کار خارج کرد.

در همین فاصله، سازمان ملل نیز اعلام کرد تنها طی روزهای ۲۳ تا ۲۵ ژوئن، ۵۷ کشتی از کریدور عمانی-آمریکایی عبور کرده‌اند. وزیر خارجه بحرین نیز با استقبال از تصمیم عمان، ایجاد گذرگاه موقت برای کشتی‌های عبوری از این کریدور را اقدامی مثبت توصیف کرد. پاسخ نیروهای مسلح ایران اما صریح و بدون ابهام بود. سپاه پاسداران پس از اعلام همکاری عمان با سازمان بین‌المللی دریانوردی برای ایجاد مسیر موقت، هشدار داد تنها مسیر امن، مسیر تعیین‌شده ایران است و با شناورهای متخلف برخورد خواهد شد. همزمان نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس (PGSA) نیز تأکید کرد هرگونه تردد خارج از چارچوب تعیین‌شده، فاقد تضمین عبور ایمن است.

در این میان به گزارش بلومبرگ، روز پنجشنبه حمله‌ای به کشتی کانترینبر «اورلاولی» در تنگه هرمز و کریدور عمانی باعث شده است برخی مالکان و فرماندهان کشتی‌ها در تصمیم خود برای

عبور از منطقه تجدید نظر کنند.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند آنچه امروز در تنگه هرمز مشاهده می‌شود، ادامه همان روندی است که در مذاکرات نیز بارها تکرار شده است؛ روندی که در آن ایران دستاورد ملموس و ماندگاری در متن تعهدات طرف مقابل به دست نمی‌آورد، اما آمریکا موفق می‌شود مهم‌ترین دغدغه‌های خود را یکی پس از دیگری برطرف کند. از خنثی شدن نگرانی غرب درباره واکنش ایران به تجاوزات رژیم صهیونیستی گرفته تا کاهش نگرانی نسبت به احتمال بسته شدن تنگه هرمز، همگی در عمل به سود طرف آمریکایی رقم خورده‌اند.

از همین رو بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند خروجی سفر اخیر تیم مذاکره‌کننده به عمان، به جای تثبیت نقش ایران، با اعلام مسیر جدید دریایی از سوی مسقط به دور زدن موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی انجامیده است؛ رخدادی که اگر تثبیت شود، نه یک اتفاق مقطعی، بلکه عقب‌نشینی از یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت راهبردی ایران خواهد بود.

هشدار برای یک گذرگاه راهبردی

تحولات اخیر تنگه

هرمز می‌تواند

نشانه آغاز پروژه‌ای

برای تغییر موازنه

ژئوپلیتیکی منطقه

و از دست رفتن

نتایج ۴۰ روز نبرد

قهرمانانه ایران

باشد. اگر مسیرهای

جایگزین عمانی در

تنگه هرمز با حمایت

آمریکا و همراهی

برخی کشورهای

منطقه تثبیت شوند،

بازگرداندن حاکمیت

تاریخی به تازگی احیا

شده ایران در مدیریت

این آبراه، بسیار

پرهزینه‌تر و دشوارتر

خواهد بود.

یادداشت

آنها تحقیر می‌کنند، اینجا خوش بینی ادامه دارد

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

اظهارات تازه اسکات بنست، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ، اعتراضی صریح به ماهیت نگاه واشنگتن به هرگونه امتیاز احتمالی در قبال ایران است. بنست که همچون دیگر اعضای دولت ترامپ یکی از جنجالی‌ترین و هتاک‌ترین چهره‌هایی است که تاکنون بر کرسی وزارت خزانه‌داری آمریکا نشسته، با وقاحتی کم‌نظیر می‌گوید معافیت تحریم‌های نفتی ایران چیزی شبیه «دادن یک هویج» است؛ هویجی که هر لحظه می‌توان آن را پس گرفت.

پیش از او نیز دونالد ترامپ و جی‌دی وونس همین خط را دنبال کرده بودند و ایرانی‌ها را «ملت گرسنه» خواندند. ترامپ حتی با لحنی تحقیرآمیز اعلام کرد ایران قرار است از محل دارایی‌های آزادشده، گندم، سویا و ذرت را از کشاورزان آمریکایی خریداری کند تا مشکل گرسنگی ایرانیان را حل کند.

ویژگی دولت ترامپ آن است که برخلاف برخی دولت‌های پیشین آمریکا، حتی زحمت حفظ ظاهر را نیز به خود نمی‌دهد. آنان صریح می‌گویند اگر امتیازی بدهند، باید هر زمان که خواستند بتوانند آن را پس بگیرند؛ اما در مقابل، از ایران تعهداتی مطالبه می‌کنند که بازگشت‌پذیر نیست. باز شدن تنگه هرمز و پایان دادن به بحران انرژی جهانی، نابودسازی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد و سایر مطالبات راهبردی، اقداماتی نیست که در شرایط پراشتاب منطقه و با احتمال بالای درگیری در بازه‌ی یکی دو سال آینده، امکان جبران سریع آن وجود داشته باشد. نتیجه چنین معامله‌ای تنها رفع نگرانی‌های راهبردی واشنگتن و متحدانش خواهد بود، نه تأمین منافع ایران.

در کنار این زیاده‌خواهی، ادبیات مقامات آمریکایی نیز تغییری نکرده است. از هگست و بنست گرفته تا وونس، روبیو و شخص ترامپ، همگی همچنان با همان زبان تهدید، تحقیر و زورگویی سخن می‌گویند. محور مشترک همه این اظهارات نیز نه صرفاً فشار بر دولت، بلکه تحقیر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

در چنین شرایطی، افکار عمومی انتظار دارد پاسخ مسئولان کشور متناسب با این سطح از گستاخی باشد؛ پاسخی که هزینه جنگ روانی دشمن را بالا ببرد. اما متأسفانه مواضع ساده‌اندیشانه و بسیار ضعیف و نسنجیده مسعود پزشکیان، نه تنها بازدارنده نیست، بلکه هر بار خوراک تازه‌ای برای عملیات روانی ترامپ و هم‌پیمانانش فراهم می‌کند. پزشکیان بدون تفکر درباره پیامد سخنان خود موضعی را اتخاذ می‌کند که ترامپ سریعاً آن را به دروغ گرسنگی ملت ایران معرفی و از آن اهرم جدیدی برای خود می‌سازد. وقتی طرف مقابل آشکارا از «هویجی» سخن می‌گوید که هر زمان اراده کند آن را پس می‌گیرد، ساده‌لوحی است اگر کسی چنین وعده‌هایی را نشانه تغییر رفتار آمریکا یا آغاز فصلی تازه در روابط دو کشور تصور کند.

سیاست خارجی

دبیرکل حزب الله لبنان: اسرائیل باید با تحقیر از لبنان خارج شود

شیخ «نعیم قاسم» دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی لبنان «حزب‌الله» دیروز (جمعه) گفت که علی‌رغم تجاوز، ایران استقامت کرد و محکم ایستاد. وی طی سخنرانی در مراسم روز عاشورا در لبنان، توضیح داد: ما در کنار ایران خواهیم ایستاد و می‌خواهیم متحد باشیم زیرا مشخص شده است که قدرت شما، همراه با قدرت رزمندگان مقاومت در میدان، به ایجاد تعادل مناسب برای شکست اسرائیل و اخراج آن از سرزمین ما کمک می‌کند». دبیرکل حزب الله تأکید کرد: «اسرائیل چاره‌ای جز عقب‌نشینی کامل از هر وجب از خاک لبنان و توقف تجاوز هوایی، زمینی و دریایی خود ندارد». وی ضمن اشاره به ناکامی تجاوزگران در دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه خود، توضیح داد: «اسرائیل باید بدون قید و شرط خارج شود. هیچ تعهدی علیه حاکمیت لبنان پذیرفته نخواهد شد و هیچ کس حق امضای چیزی را ندارد».

قاسم با بیان اینکه دولت لبنان نمی‌تواند با بیش از نیمی از مردم لبنان دشمنی و اختلاف داشته باشد و همچنان به طور عادی عمل کند، ادامه داد: «دولت لبنان باید اجرای دستورات قیمومیت و دشمن را متوقف کند و از تصمیم‌گیری‌هایی که در خدمت منافع آمریکا و اسرائیل است، دست بردارد». وی ضمن اشاره به آمادگی حزب‌الله برای کمک به دولت لبنان، گفت: «از فرصت استفاده کنید. مقاومت قوی است و اگر در مسیر حاکمیت لبنان گام بردارید، ما با شما هستیم».



تعزیه را دریابید

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

هنر تعزیه به عنوان یکی از باشکوه‌ترین جلوه‌های نمایشی و آیینی ایران متأسفانه در عصر حاضر با خطر جدی فراموشی مواجه است. این هنر که قرن‌ها پیوندی عمیق میان مذهب، فرهنگ، ادبیات و موسیقی ایرانی ایجاد کرده بود امروزه به دلایل متعددی از بستر زندگی روزمره و مناسک مذهبی فاصله گرفته یا در بستر فضای مجازی به بدترین شکل مصرف می‌شود.

شاید اغیار بگویند که مهم‌ترین دلایل این افول تغییر سبک زندگی، گسترش رسانه‌های مدرن، کاهش حمایت‌ها و ضعف در انتقال دانش به نسل جوان جست‌وجو باشد، اما اگر دلیلش را از نگارنده بپرسید هیچ چیز جز غریب‌گرای و غرب‌پرستی نمی‌تواند توضیحی برای افول تعزیه خوانی باشد، به همین خاطر است که دیگران شور گذشته در میان تماشاگران دیده نمی‌شود و تعزیه‌خوانان با مشکلات عده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

خلاصه آنکه تعزیه که روزگاری آینه احساسات و باورهای جمعی جامعه بود اکنون در حاشیه قرار گرفته و برای نجات آن نیازمند عزمی ملی و جذب مخاطب نسل جدید است. علاوه بر این نبود زیرساخت برای اجرا و عدم استفاده از ظرفیت‌های گردشگری فرهنگی باعث شده این میراث گرانبها تنها به چند جشنواره آئینی محلی محدود و از جامعه جدا شود. در واقع بی‌توجهی به این میراث ناملموس لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به هویت فرهنگی کشور وارد کرده و نسل‌های آینده را از این گنجینه بی‌بیل محروم خواهد ساخت.

تغییر سبک زندگی و کوچ به سمت مدرن شدن جمعی شاید یکی از دلایل عبور از تعزیه به نظر برسد، اما خود معلول علتی دیگر است. وقتی سبک زندگی به‌وسیله آن‌ها که مدعی اسلام و ایرانند در طول سال‌ها غربی و آمریکایی می‌شود، دیگر نمی‌توان از مردم توقع داشت که مانند گذشته با سنت‌ها و رسوم ایرانی-اسلامی خویش برخورد کرده و آن‌ها را پاس بدارند. می‌توان مدرن بود، اما به موازین اسلام و میراث گذشتگان هم احترام گذاشت، در صورتیکه مدرن بودن را مساوی با عبور از تشیع ندانست.

درنهایت نمی‌توان افول تعزیه را ناشی از ناتوانی در انطباق با زمانه دانست و نقش دیگر دلایل و عوامل را در این میان نادیده گرفت. تعزیه رنگ‌وروی سابق را ندارد، چون از اصالت خویش فاصله گرفته و به تابعی از وضعیت بدل شده است!

حسن روح‌الامین از اثر جدیدش رونمایی کرد

شکوه واپسین لحظات

نقاشی عاشورایی، بیش از هر شاخه دیگری از هنر دینی، با یک تناقض دیرینه روبه‌رو است؛ چگونه می‌توان واقعه‌ای را تصویر کرد که بیش از آن که در تاریخ ثبت شده باشد، در حافظه جمعی ثبت شده است؟ هر تصویر تازه از ائمه اطهار و یارانشان،



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

حسن روح‌الامین از معدود هنرمندان معاصر است که در این سال‌ها توانسته در این زمینه موفق باشد. آخرین اثر او تابلویی است که لحظاتی پیش از شهادت حضرت ابوالفضل العباس (ع) را به تصویر می‌کشد.

حسن روح‌الامین در تازه‌ترین اثر خود، پاسخ را نه در افزودن بر هیجان صحنه که در تعلیق آن یافته است. این تابلو، نقاشی لحظه برخورد شمشیرها نیست؛ نقاشی لحظه‌ای است که تن، پیش از فرو افتادن، هنوز براراده تکیه دارد. همین انتخاب، اثر را از بسیاری از بازنمایی‌های متعارف عاشورا جدا می‌کند.

مرکز ثقل تابلو نه علم است، نه نهرآب و نه حتی پیکر مقدس حضرت عباس (ع)؛ انحنای بدن اوست. این خمیدگی، شکست نیست؛ تصویری است از فشاری که جسم دیگر توان تحملش را ندارد، اما روح هنوز آن را نپذیرفته است. روح‌الامین، به جای آنکه قهرمان خود را شکست‌ناپذیر نشان دهد، او را در نهایت آسیب‌پذیری تصویر می‌کند و درست از همین جا، شکوه می‌آفریند.

عظمت عباس (ع) در این اثر، محصول قدرت جسمانی نیست؛ حاصل استقامتی است که از مرز توان بدن عبور کرده است. در این میان، نور نقشی تعیین‌کننده دارد. در سنت نقاشی مذهبی، نور معمولاً کارکردی قدسی و تزئینی پیدا می‌کند؛ اما اینجا نور، ساختار روایت را شکل می‌دهد. از دل انبوه نیزه‌ها، زخم‌ها و التهاب میدان، نگاه مخاطب ناگزیر به سوی پرتوهایی هدایت می‌شود که از بالا بر قامت عباس (ع) فرود می‌آیند. گویی نقاش، به جای آنکه چهره را آشکار کند، حقیقت شخصیت را در نور جست‌وجو کرده است.

از حیث زبان تصویری نیز، روح‌الامین همچنان به رئالیسم وفادار است؛ اما رئالیسم او، بازسازی تاریخی نیست. نسبت رنگ‌های سرد آب با گرمای خون، تراکم عمودی نخل‌ها و خطوط مورب نیزه‌ها، همگی در خدمت خلق نظمی هستند که بیش از آنکه واقعیت میدان را بازنمایی کند، کیفیت تراژیک آن را منتقل می‌کند. در این اثر، هر عنصر به اندازه‌ای که دیده می‌شود، حامل معنا نیز هست.

شاید مهم‌ترین ویژگی این تابلو، پرهیز از تبدیل واقعه عاشورا به نمایش صرف رنج باشد. روح‌الامین می‌داند که کربلا تنها با خون تعریف نمی‌شود؛ آنچه این واقعه را در حافظه تاریخ ماندگار کرده، نسبت میان رنج و انتخاب است. از همین رو، مخاطب پس از تماشای اثر، بیش از آنکه زخم‌ها را به خاطر بسپارد، قامت انسانی را به یاد می‌آورد که در آستانه شهادت و افتادن از اسب، هنوز ایستاده است. شاید همین، دقیق‌ترین تعریف از عباس بن علی (ع) باشد؛ شکوهی که درست در لحظه وداع با دنیا، کامل می‌شود. تمرکز اصلی روح‌الامین بر تاریخ اسلام، وقایع عاشورا و زندگی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اتفاقی بسیار مغتنم است و توانسته بخشی از خلأ روایت تصویری تاریخ تشیع را پر کند. او تلاش می‌کند لحظات اوج رویدادهای تاریخی (مانند تابلوهای «عرش بر زمین افتاد» یا «لافی‌الاعلی») را با رویکردی حماسی، اندوهگین و بسیار احساسی به تصویر بکشد.

منتقدان هنری آثار او را به شدت متأثر از نقاشی کلاسیک اروپا و به ویژه مکتب باروک می‌دانند. استفاده از نورپردازی‌های دراماتیک و پرکنتراست (سایه روشن‌های قوی)، ترکیب بندی‌های پرتحرک، و آناتومی دقیق فیگورها، تابلوهای او را به آثار اساتید بزرگ تاریخ هنر شبیه کرده است.

**مالک بپا که دست علی را نفاق بست
دل را معاویه به همین اتفاق بس
تیغ خواص روی رگ‌گردن علیست
قرآن رفته بر سر نی دشمن علیست
در فتنه‌ی مذاکره حرف از طرایف است
مالک! علی الأصول، علی، خود مخالف است
امر فقط امر سید مجتبی
حکم فقط حکم سید مجتبی**

جای شکرش باقی است که در میان مداحان دستوری که کمر به متفرق کردن مردم بسته‌اند و گاهی به مردم مبعوث و قهرمان ایران توهین می‌کنند و تهمت می‌زنند، مداحانی مانند سید رضا نریمانی هم پیدا می‌شوند که با بصیرتی مثال‌زدنی، هیئت امام حسین را به بلندگوی مطالبه از مسئولین و حمایت از ولی فقیه تبدیل کنند.



قرار داد. در شعر این مداحی به لزوم هوشیاری عوام اشاره شده و خطر مذاکره بدون آذن ولی گوشزد شده است. همچنین شعر این اثر نسبت به عاقبت مذاکره با معاویه و طاغوت هشدار می‌دهد و در آن صفین، لحظه‌ای اساسی در رقم خوردن عاشورا توصیف می‌شود. این شعر پرمغز یک بیت تکرارشونده داشت که مردم عزادار و ولایتمدار آن را تکرار می‌کردند:

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهید قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۷۲

یادداشت

«شکار هیولا» فیلم می‌شود

علی نقدی
روزنامه‌نگار

انیمیشن سینمایی «شکار هیولا» تازه‌ترین پروژه بلند پویانمایی ایران است که به کارگردانی حسین صفارزادگان و تهیه‌کنندگی محمد مهدی مشکوری، این روزها مراحل حساس پیش تولید و طراحی استوری‌برد خود را پشت سرمی‌گذارد. این اثر جاه‌طلبانه که با اقتباسی آزاد و خلاقانه از رمان شناخته‌شده محمد سرشار در مسیر ساخت قرار گرفته، دست روی یکی از اتفاقات مهم سال‌های اخیر گذاشته است. داستان این انیمیشن به ماجرای پیچیده شکار و فرود آوردن پهلاد فوق پیشرفته و رادارگریز آمریکایی، یعنی «آر کیو ۱۷۰» که به «هیولا» ملقب بود، توسط رزمندگان و متخصصان ایرانی می‌پردازد.

یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های این پروژه، زاویه دید روایی آن است؛ اتفاقات این عملیات قرار است از زبان خود این پهلاد تسخیرشده برای مخاطبان نوجوان روایت شود. این انتخاب هوشمندانه به سازندگان اجازه می‌دهد تا خشکی روایت‌های صرفاً تاریخی را کنار گذاشته و گروه سازنده بتواند یک انیمیشن اکشن، پرکشش و پرهیجان خلق کند. محوریت اصلی این داستان، فراتر از یک سرگرمی ساده، انتقال مفاهیم ارزشمندی چون مقاومت، خودباوری و هویت‌سازی ملی به نسل جدید است.

در خصوص روند تولید، مشکوری، تهیه‌کننده این اثر، با اشاره به پیشرفت‌های حاصل‌شده اعلام کرد که نگارش فیلمنامه نهایی شده و مرحله طراحی شخصیت‌ها و فضا سازی‌ها نیز به سرانجام رسیده است. وی با بیان اینکه هدف‌گذاری اولیه تیم سازنده، آماده‌سازی فیلم برای رقابت و رونمایی در جشنواره فیلم فجر است، بر این نکته مهم تأکید کرد که زمان‌بندی هرگز فدای دقت نخواهد شد و کیفیت بصری و تکنیکی نهایی کار در اولویت نخست آن‌ها قرار دارد.

گفتنی است تیمی که امروز ساخت «شکار هیولا» را بر عهده دارد، پیش‌تر با تولید انیمیشن بسیار موفق «بجعی قهرمان»، مهارت خود را به اثبات رسانده است.

در نهایت، کلید خوردن پروژه استراتژیک و متفاوتی چون «شکار هیولا» نشان‌دهنده بلوغ و توانمندی روزافزون سینمای انیمیشن ایران در ساخت آثار شاخص، متنوع و تحول‌آفرین برای نسل جوان و نوجوان است.